

دکتر کنت متیوز، سفر پیدایش، جلسه ۵ قابیل

کنت متیوز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنت متیوز در حال تدریس در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه شماره پنج، زندگی خارج از باغ، قابیل و هابیل، پیدایش ۴: ۱-۲۶ است.

برای جلسه پنجم، داستان باغ را ادامه خواهیم داد.

دو سخنرانی گذشته در مورد اتفاقات درون باغ بوده است. و اکنون بیشتر به بیرون از باغ می‌رویم و به بررسی آنچه که در نتیجه‌ی اخراج خانواده‌ی بشر به دلیل نافرمانی برایشان رخ داده است، می‌پردازیم. و کشف خواهیم کرد که مسیری وجود دارد.

با گذشت زمان، شدت گناه افزایش می‌یابد. نه تنها موارد بیشتری از وقوع گناه و نافرمانی وجود دارد، بلکه ماهیت آن نیز شدیدتر می‌شود و در نهایت منجر به نیاز به ایجاد سیل عظیم توسط خدا می‌شود. در فصل چهارم، روایت قابیل و هابیل را داریم.

و اگرچه قتلی رخ می‌دهد، اما تولید مثل هم وجود دارد. بنابراین، حتی در اپیزودی که شرارت قابیل و چگونگی تأثیر والدینش، آدم و حوا، که نسل بعدی را به وجود آوردند، بر این شرارت را توصیف می‌کند، کورسوی امید و وجود دارد. تولید مثل هم وجود دارد.

فصل سوم، آیه ۱۵، درباره یک نجات‌دهنده آینده صحبت می‌کند. در آیات آغازین این فصل، به ما گفته شده است که حوا اظهار داشت: «با کمک خداوند، من مردی را به دنیا آورده‌ام.» و سپس او برادر قابیل، هابیل، را به دنیا آورد.

بنابراین، به نظر من، با کمک خداوند، اعتماد دوباره او به کلام خدا، ایمان و توکل او به آنچه خدا وعده داده بود، همانطور که در فصل سوم، آیه ۱۵ می‌خوانیم، منعکس می‌شود. حال، به ما گفته شده است که هابیل گله‌داری می‌کرد و قابیل به کشت و زرع می‌پرداخت. او به عنوان یک کشاورز، راه پدرش را دنبال کرد.

و پس از مدتی، قابیل مقداری از میوه‌های زمین را به عنوان قربانی برای خداوند آورد. اما هابیل، به تضاد موجود در آیه چهارم توجه کنید، اما هابیل تکه‌های چربی از برخی از نخست‌زادگان گله خود را آورد. خداوند به هابیل و قربانی او نظر لطف داشت، اما به قابیل و قربانی او، نظر لطفی نداشت.

بنابراین، قابیل بسیار عصبانی بود و چهره‌اش غمگین بود. وقتی به قربانی‌های آورده شده نگاه می‌کنیم، سوال طبیعی این است که چرا یکی مورد لطف قرار گرفته و چرا دیگری نه؟ یک پیشنهاد قوی، یک پیشنهاد رایج وجود داشته است که در حالی که هابیل قربانی خون آورد، قابیل این کار را نکرد. و بر این اساس، خدا قربانی ترجیحی، یعنی قربانی حیوانی، را انتخاب کرد.

با این حال، من فکر می‌کنم که احتمالاً این برداشت اغراق‌آمیزی از متن است، زیرا در متن، کلمه «قربانی» را می‌بینیم. کلمه «قربانی» در آیه سوم، کلمه‌ای است که در سیستم قربانی شرح داده شده در لاویان استفاده می‌شود. و در آنجا در لاویان، شما مشروعیت، حتی الزام، تقدیم قربانی آردی یا غله را دارید، که گاهی اوقات به آن «قربانی آردی» می‌گویند.

کلمه‌ای که در اینجا برای قربانی در نسخه بین‌المللی جدید من استفاده می‌شود، همان کلمه‌ای است که بارها در سیستم قربانی، همانطور که در اسفار پنجگانه توصیف شده است، استفاده شده است. کلمه عبری است. این زبانی است که در آیات چهار و پنج استفاده شده است mincha، mincha.

خب، تفاوت چیست؟ من فکر می‌کنم این تفاوت به انگیزه و زندگی درونی هر فرد مربوط می‌شود. انگیزه قابل این بود که در عمل عبادت خود حداقل را ارائه دهد، در حالی که عمل هابیل این بود که بهترین خود را ارائه دهد. حال، وقتی صحبت از چگونگی تشخیص این موضوع می‌شود، به تفاوت در میوه‌ها، برخی از میوه‌های خاک، توجه کنید، در حالی که بهترین میوه‌ها، اولین میوه‌ها هستند.

این در مورد قابیل گفته نشده است. هابیل قسمت‌های چرب قربانی را آورد. قسمت چرب در سیستم قربانی لاویان، قسمت شیرین بود و بهترین قسمت برای تقدیم به خداوند محسوب می‌شد.

البته، نخست‌زاده نیز بهترین محسوب می‌شد. و نخست‌زاده فرزند یا فرزندی بود که به بهترین شکل نماینده پدر بود. و در این مورد، هدیه گله.

نتیجه، توبه قابیل نبود؛ بلکه چیزی که ما می‌بینیم خشم اوست. بنابراین، فصل چهارم، آیات اول تا قرائت ما از آیه پنجم، مربوط به اولین عمل رسمی پرستش از سوی خانواده آدم است که همچنین ستایش و نشانه‌ای از توبه هابیل و تجدید ایمان و اعتماد به فرامین است. و وقتی به انتهای فصل، آیه ۲۶، نیمه دوم آن آیه نگاه می‌کنیم، در آن زمان، البته دقیقاً به ما گفته نشده است که این به چه معناست، اما نشان می‌دهد که انسان‌ها شروع به خواندن نام خداوند کردند.

زبان شروع به انعکاس یک چرخش یا تغییری می‌کند که در جهت آغاز رخ می‌دهد. و بنابراین در اینجا ما چرخشی به سوی یک عمل عبادت گسترده‌تر از سوی مردم داریم. این یک عبادت رسمی است که در زندگی خانواده بشری شروع به توسعه می‌کند.

این اتفاق پس از تولد شیث رخ می‌دهد که جای هابیل مقتول را می‌گیرد. و از طریق شیث‌ها است که خداوند نقشه مورد نظر خود برای برکت را عملی خواهد کرد. و این برکت با ظهور یک نجات‌دهنده همراه خواهد بود.

و بنابراین، پس از صحبت در مورد شیث که در آیه ۲۵ معرفی شده است، درست پس از آن، می‌خوانیم که نوعی توده یا گروه وجود دارد که برای پرستش به سوی خداوند روی می‌آورند. و من فکر می‌کنم که این گروه، شیثیان، نوادگان آدم شیث بوده‌اند که اکنون با نسب‌نامه در فصل پنجم، آیه اول، تا پایان فصل پنجم توصیف شده‌اند. وقتی به فصل چهارم نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که قابیل برادرش را به قتل می‌رساند.

او این کار را از روی خشم انجام می‌دهد، و می‌توانیم مدتی را صرف صحبت در مورد این کنیم که چگونه خشم اغلب منجر به رفتار ناشایست اوون می‌شود. نکته قابل توجه در این مورد این است که همیشه خشم منجر به قتل نمی‌شود، اما خشم اغلب انگیزه‌ای برای قتل است که در پی آن می‌آید. در مورد خداوند ما عیسی مسیح، او ما را در خطبه بالای کوه به این موضوع دعوت می‌کند.

او به این نکته اشاره می‌کند که فرد می‌تواند خشمی چنان عمیق و تلخ داشته باشد که آن خشم معادل ارتکاب قتل باشد. عیسی می‌گوید، شما مجبور نیستید برای گناهکار بودن به گناه قتل، عمل کنید، بلکه این می‌تواند چیزی باشد که در قلب شما متولد می‌شود و رشد می‌کند و وسواس‌گونه می‌شود و متأسفانه به یک

عمل قتل تبدیل می‌شود. بنابراین، زبانی که در اینجا در مورد چهره‌ای که در آیه پنج و سپس دوباره در آیه شش به پایین افتاده است، استفاده شده است، یک استعاره است.

این فقط به معنای نگاه کردن به پایین یا روی برگرداندن از خدا یا یک مافوق یا کسی در حضور شما به دلیل ناامیدی، شاید خشم است. و من فکر می‌کنم چیزی که برای قابیل اتفاق می‌افتد این است که حسادت، تلخی و برداشت آن وجود دارد و هنوز هم توبه و مقابله با آن. در عوض، گناه، همانطور که در آیه هفت گفته شده است، بر او تسلط دارد.

و در این توضیح، اینجا یک نصیحت وجود دارد که ای قابیل، توبه کن و آنگاه تو ارباب هوس‌هایت می‌شوی، نه اینکه هوس‌هایت ارباب تو شوند. این در واقع یک مثال عالی از تفاوت بین هوس‌ها و اراده است، زیرا همه ما هوس‌های انسانی داریم که توسط خدا داده شده تا برای خیری که خدا در نظر دارد و به ما عطا کرده است، استفاده شوند. به عنوان مثال، یک میل خوب برای غذا و معاش، یک میل خوب برای روابط جنسی، یک میل خوب برای زندگی در جامعه و یک میل خوب برای کار و موفقیت.

اما این خواسته‌ها باید در چارچوب اراده و هدف خداوند برای آن خواسته‌ها باشند. می‌توانید آن را اینگونه تصور کنید. می‌توانید از یک برش‌دهنده پیتزا برای برش پیتزا استفاده کنید و این همان چیزی است که برای آن طراحی شده است.

یا می‌توانید از یک کاتر پیتزا برای بریدن حوله یا قرار دادن حوله در حمام استفاده کنید. خب، اینجا تفاوت بین آنچه خدا برای خواسته‌های شما می‌خواهد و آنچه او برای شما طراحی کرده است، وجود دارد. و این باید در دایره اراده او تمرین شود.

در حالی که وقتی برای این خواسته‌ها خارج از اراده و هدف او حرکت می‌کنید، و آنها خودخواهانه و خودخواهانه می‌شوند، و سعی می‌کنید از خواسته‌های خود برای خدمت به منافع خودخواهانه خود استفاده کنید، متوجه خواهید شد که خواسته‌های شما با اراده خدا مطابقت ندارند و خواسته‌های شما به عامل کنترل کننده زندگی شما تبدیل می‌شوند. و متوجه خواهید شد که خواسته‌های شما رضایت بخش نخواهند بود. این یک توهم است و یک روش سورئال و نادرست برای نگاه به واقعیت و نحوه زندگی شماست.

و این همان چیزی است که قابیل با حسادت و غبطه خوردن به برادرش، به نوعی آرزوی جلب رضایت خدا را داشت، به تصویر می‌کشد. شاید چیزی در پشت صحنه نیز وجود داشته باشد. گمان من این است که این به معنای ناامیدی بوده است زیرا آدم و حوا از پدرش ناامید می‌شدند.

بنابراین، قابیل در آیه ۸ به نوعی برادرش را متقاعد می‌کند که او را دور از چشم والدینش کنار بگذارد، و او را به قتل می‌رساند. این یک قتل عمد است. و در قانون به ما گفته شده که قابیل، باید اینطور بگوییم؛ در قانون به ما گفته شده که وقتی قتل عمد انجام داده‌ای، نتیجه‌اش اعدام است که جانت گرفته می‌شود.

حال، این به عنوان یک فرمان خلقت در فصل ۹ کتاب پیدایش بیان شده است، زیرا قتل باید به دلیل کشتن تصویر خدا با شدیدترین مجازات روبرو شود. نه تنها حمله‌ای علیه آن شخص و خانواده‌اش، بلکه حمله‌ای علیه کل قلمرو جامعه است، زیرا اگر قاتلانی وجود داشته باشند که آزاد باشند به خیانت و خیانت مرگبار خود به خانواده و جامعه ادامه دهند، هیچ کس در امان نیست. و در جامعه فروپاشی ایجاد می‌شود، در همبستگی جامعه فروپاشی ایجاد می‌شود، زیرا زنجیره تولید مثل و وراثت که می‌بینید شکسته می‌شود.

نه تنها اینطور است، بلکه این یک توهین، حمله به خود خداست زیرا خود مردان و زنان را به تصویر خود آفریده است. در نتیجه، قابیل به یک چهره نمادین برای یک قاتل تبدیل شده است و این موضوع در

دو قسمت از عهد جدید برای ما شرح داده شده است. عبرانیان فصل 11 آیه 4، جایی که هابیل به عنوان مردی با ایمان توصیف می‌شود که توسط برادرش به قتل می‌رسد، و این موضوع در اول یوحنا فصل 3 آیه 12 شرح داده شده است.

اکنون، خداوند دوباره به قابیل اشاره خواهد کرد و از قابیل پاسخی ترجیحاً توبه را برمی‌انگیزد، همانطور که از آدم در گناه باغ عدن پاسخ‌هایی دریافت کرد. بنابراین، او این سؤال را مطرح می‌کند که برادرت هابیل کجاست؟ و اکنون ما انکار را از جانب قابیل داریم که می‌گوید، نمی‌دانم. البته، او خیلی خوب می‌دانست.

آیا من نگهبان برادرت هستم؟ و پاسخ مثبت است. باز هم، این به ذهنیت خویشاوندی و چارچوب جهان‌بینی مربوط می‌شود، به ویژه در زمینه جامعه در جهان باستان، شما نسبت به خانواده‌تان، نسبت به قبیله‌تان، نسبت به همسایه‌تان مسئولیت داشتید، زیرا هر دو به تصویر خدا آفریده شده بودید و همچنین همانطور که در پیدایش پیش می‌رویم، یک ارتباط پیمانی وجود دارد که کسانی که با خداوند پیمان بسته‌اند هم‌پیمان هستند و نسبت به کسی که او نیز پیمانی دارد، یک رابطه توافقی با خدا وجود دارد و این بدان معناست که شما با یکدیگر رابطه دارید. بنابراین این چیزی است که وقتی از نگهبان برادر صحبت می‌شود در ذهن است و پاسخ، البته، بله است، و در نتیجه، باید پاسخی از جانب خدا برای برخورد عادلانه وجود داشته باشد.

او در بحبوحه این خیانت خائنانه علیه هابیل، انتخاب می‌کند که به این گناهکار، به این قاتل، عمل فیض قابل توجهی ارائه دهد، زیرا به جای گرفتن جان قابیل، انتخاب می‌کند که جان قابیل را حفظ کند. و بنابراین، آیه ۱۱ می‌گوید، به قابیل، تو تحت نفرین هستی و از زمینی که دهانش را باز کرده تا خون برادرت را از دست تو دریافت کند، رانده شده‌ای. حال، این یک پاسخ مهم است و می‌توانیم کمی آن را باز کنیم.

اول از همه، این اولین باری است که یک انسان توسط خدا نفرین می‌شود، و این نفرین، همانطور که در فصل ۳ آمده است، با زمین مرتبط است. وقتی انسان‌ها مرتکب گناه می‌شوند و تحت داوری خدا قرار می‌گیرند، که مسئول آن هستند، یعنی کره خاکی زمین و حیوانات، همه آن نیز از هم می‌پاشد. و بنابراین، بین گناه انسان و همه آنچه که تحت مسئولیت انسان است، یعنی تمام خلقت، ارتباطی وجود دارد.

و اگر به یاد داشته باشید، در فصل هشتم رومیان، پولس رسول این نکته را مطرح می‌کند. او صرفاً به آنچه ما نه تنها در روایت پیدایش، بلکه در خواندن شریعت نیز کشف خواهیم کرد، تکیه می‌کند؛ دستورالعملی که خداوند از طریق موسی به اسرائیل داده است و مربوط به مسئولیت ما به عنوان ناظران بر دنیای حیوانات است. و بنابراین، می‌توانم به طور گذرا به این موضوع اشاره کنم، به عنوان مثال، رعایت روز سبت

رعایت سبت نه تنها به معنای توالی کار از سوی بنی اسرائیل بومی بود، بلکه مهاجر یا بیگانه و حیوان نیز به همین ترتیب. بخشیدن به حیوان، ایجاد محیطی با نگرش بشردوستانه نسبت به تمام زندگی ارزشمند برای خدا، از جمله زندگی حیوانات. با اشاره به زمین، همچنین می‌بینیم که این وسیله برای زندگی قابیل است.

معیشت او به حاصلخیزی زمین وابسته بود. و این ما را به یاد مجازاتی می‌اندازد که در مورد آدم وجود داشت، که بله، می‌توانست غذا تولید کند، اما این کار را با عرق جبین خود انجام می‌داد. در اینجا، به دلیل قتل، مجازات حتی شدیدتری در نظر گرفته شده است.

و به دلیل قتل، او در واقع تبعید شده و از برداشت میوه زمین رانده می‌شود. البته، تبعید و اخراج شما را به یاد آنچه برای والدین اولیه قابیل رخ داد، می‌اندازد. بنابراین، به ما گفته شد که او سرگردان خواهد بود.

حال، واکنش قابل چیزی است، بستگی به این دارد که شما چگونه قابیل را تفسیر کنید و آیا فکر می‌کنید که او می‌گوید، بیچاره من، یا اینکه آیا او حس آشتی، توبه و طلب لطف مجدد خدا را دارد. اما هر طور که آن را تفسیر کنید، نتیجه یکسان است. وقتی او در آیه ۱۳ می‌گوید، من نمی‌توانم در برابر این مجازات مقاومت کنم.

آیه ۱۴: قائن می‌گوید: «تو مرا از سرزمینت می‌رانی و من از حضور تو پنهان خواهم بود.» به عبارت دیگر قائن، پنهان از لطف خدا، از برکت خدا، حتی در زندگی رو به زوال خود، نیاز خدا را برای برکت و باروری به سرزمین، به خانواده و همچنین به گله تشخیص می‌دهد. من آوارهای بی‌قرار در زمین خواهم بود و هر که مرا بیابد، مرا خواهد کشت.

به عبارت دیگر، او شهرتی به دست خواهد آورد، و من اینطور برداشت می‌کنم که اصل و نسب او نیز مد نظر است. همانطور که در آیه ۱۷ و بعد از آن توضیح داده شده است، اصل و نسب قابیل مشمول مجازات قابیل است، زیرا اگر کسی قابیل یا کسی را که از نزدیکان قابیل است بکشد، این یک فروپاشی، قطع ارث و اصل و نسب از طریق خانواده او خواهد بود. بنابراین، او می‌گوید، من کشته خواهم شد.

به عبارت دیگر، این مجازات سنگینی علیه من است که نسل‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین، فکر می‌کنم او به نوعی التماس می‌کند که شاید خدا از مجازاتش بگذرد. البته، سوال رایجی که مطرح می‌شود این است که، خب، با توجه به روایت، چه کسی دیگری در اطراف هست که بتواند او را بکشد؟ خب، حالا به یاد داشته باشید که طول عمر این چهره‌های مردسالار اولیه در ابتدا بسیار طولانی بوده است و به سرعت فرزندان زیادی به دنیا می‌آمده‌اند.

بنابراین، برای مثال، اگر به فصل ۵ نگاه کنید، در آیه ۴ در مورد شیث آمده است که پس از تولد شیث، آدم سال زندگی کرد و پسران و دختران دیگری نیز داشت. بنابراین، انفجار جمعیت رخ می‌دهد و کاملاً ۸۰۰ ممکن است کسانی که با شیثی‌ها در ارتباط هستند، تصمیم گرفته باشند از قابیل به خاطر کشتن شیث، بی‌گناه انتقام بگیرند، که البته برادر متوفی شیث است، زیرا شیث نیز از آدم و حوا متولد شده است. همانطور که در فصل ۴، آیه ۲۵ آمده است. اکنون، در آیه ۱۷، به تولد نسل اولیه می‌پردازیم.

و خواهید دید که به واسطه‌ی آن نسل، دوباره خدا برکت و تولید مثل را نشان می‌دهد. حالا، پیش از آن گفته می‌شود که ما نشانی بر قابیل داریم. دقیقاً نمی‌دانیم آن نشان چیست، اما او را با هدف، با دیدگاه حفاظت، مشخص می‌کند.

با این هدف که از قابیل انتقام شخصی نگیرد. باز هم، چرا خدا باید این کار را انجام دهد؟ ممکن است خواست خدا این بوده باشد که در آن سال‌های اولیه توسعه جامعه بشری، نسلی قوی ایجاد کند. حتی ممکن است شاهد عمل لطف دیگری از جانب خدا باشیم، به این صورت که در آیه ۱۹، از نسل لمک، بنیانگذاران و کارآفرینان هنرها و علوم به وجود می‌آیند، که از آیه ۱۹ تا آیه ۲۲ ادامه دارد.

بنابراین، شواهدی از پاسخ مهربانانه‌ی خدا به قابیل وجود دارد. شاید این باید در تفکر شما استدلالی باشد که به نوعی، روح توبه‌کاری از جانب قابیل وجود دارد. حال، وقتی صحبت از قابیل می‌شود، گفته می‌شود که او به شرق عدن رانده شده است.

در سراسر فصل‌های اولیه کتاب پیدایش، بارها و بارها شرق را به عنوان جهت‌گیری اخراج خواهید یافت که مردم را به سمت شرق سوق می‌دهد. این را دوباره در مورد برج بابل خواهیم دید. البته، اخراج به سمت شرق نیز به همین دلیل بود که ما اخراج مرد و زن، آدم و حوا، را داریم.

بسیاری از مفسران، به نظر من به درستی، نشان داده‌اند که توصیف باغ، منعکس‌کننده‌ی توصیف خیمه از نظر تزئینات آن است. به زبانی که برای خدمت و کاری که در باغ انجام می‌شود، استفاده می‌شود. پیشنهاد این است که خیمه، نمادی از باغ بود و همانطور که خدا با حضور خود در باغ حضور داشت، در خیمه نیز در این خیمه که در جامعه‌ی اسرائیل بود و دوازده قبیله در اطراف آن چادرها و محل سکونت خود را برپا کرده بودند، حضور داشت، به طوری که او در میان آنها ساکن بود.

یا می‌توانید این را برعکس کنید و بگویید، این دوازده قبیله اسرائیل در همسایگی خدا ساکن شدند. بنابراین خیمه رو به شرق است. و جالب اینجاست که در آن صورت، اخراج به سمت شرق از نظر جغرافیایی به عنوان دور کردن مردم از حضور خدا به دلیل نگرش شرورانه آنها نسبت به خدا و زندگی انسان تلقی می‌شود.

در نتیجه، این نوعی الهیات جغرافیا است، روشی که نویسنده به طرق مختلف از زبان مجازی و تصاویر استفاده می‌کند، در این مورد، یک نشانگر جغرافیایی که نشان می‌دهد خانواده قابیل گناه والدین خود، آدم و حوا، را به ارث برده‌اند و این مسیر که با آدم و حوا آغاز شد، از نظر تعداد و همچنین شدت در حال افزایش است. در تبارشناسی که در اینجا می‌یابیم، به ما گفته می‌شود که یکی از فرزندان قابیل، لمک، آیه ۱۹ بود توجه کنید که می‌گوید او با دو زن ازدواج کرد، و این توسط خوانندگان پیدایش در جامعه موسی به عنوان عملی که باعث ایجاد مشکلات در خانواده می‌شد، درک می‌شد، زیرا آنها این را به خوبی از یعقوب می‌دانستند که با خواهران لابان ازدواج کرد.

و در واقع ممنوعیتی در قانون به طور خاص علیه ازدواج با خواهران وجود دارد. در این مورد، لمک در کتاب مقدس به عنوان اولین زن چندهمسری نامگذاری شده است و به قافیه و نامگذاری دو همسر، عاده و آزیلا توجه کنید. حال، پس از نامگذاری فرزندان و شغل آنها، در آیه ۲۲ به ما گفته می‌شود که آزیلا پسری به نام توبال-قائن نیز داشت که انواع ابزار را از برنز و آهن می‌ساخت.

و باید پرسید که آیا این ابزارها توسط لامک استفاده می‌شدند و به او مزیت تکنولوژیکی می‌دادند و او از آنها نه برای خیر، بلکه برای شر استفاده می‌کرد. و بنابراین ما اینجا توبال-قابیل را داریم که این سلاح‌ها را برای لامک فراهم کرده است. و البته، چنین چیزی را نمی‌گویید.

این فقط یک احتمال است، یک حدس و گمان از طرف من. بنابراین، به ما گفته شده که لامچ سپس به شیوه‌ای شاعرانه درباره کشتن یک مرد جوان صحبت می‌کند. خب، این شعر است، و وقتی صحبت از شعر می‌شود، این نوع موازی‌کاری در شهرت اتفاق می‌افتد.

بنابراین، مثالی از این موضوع درست در ابتدای آیه ۲۳ آمده است، «عاده و آزیلا به من گوش دادند»، و سپس تکرار «همسران لامک»، می‌بینید که نام‌ها را به «عاده و آزیلا» تغییر می‌دهد. به سخنان من گوش دهید»، همچنین تکرار «به من گوش دهید» خواهد بود، و این نمونه‌ای از شعر است. «من کشته‌ام، یا «می‌توان آن را در آینده اینگونه ترجمه کرد، مردی را به خاطر زخمی کردنم خواهم کشت.

بنابراین، واکنش او کشتن، ارتکاب قتل است. و آیا این کار موجه بود؟ خب، روشی که قابیل در آیه ۲۴ این قتل را توصیف می‌کند، نشان می‌دهد که واکنش او برابر با زخمی که تجربه می‌کند نیست، و مسئول آن نیست. بنابراین، شما از اصل قصاص اطلاع دارید، که در آن قانونی دارید که مربوط به یک واکنش عادلانه است. یک واکنش برابر به جرمی است که مرتکب شده است.

در این مورد، او از روی انتقام، احتمالاً از روی خشم و عصبانیتش نسبت به کسی که دلیل و انگیزه‌ای داشته باشد، از آن فراتر می‌رود؛ حتی ممکن است زخمی ناخواسته بوده باشد. در بخش آخر آن بیت ۲۳ می‌گوید یک مرد جوان. حال ممکن است این دقیقاً همان روشی باشد که شعر کار می‌کند.

شما یک کلمه را انتخاب می‌کنید، و سپس یک کلمه مشابه را انتخاب می‌کنید. لازم نیست دقیقاً همان باشد اما به نظر من، چیزی است که باید در نظر بگیریم این است که مردی که او می‌کشد، در واقع مرد جوان‌تری است که در معرض لمک قوی‌تر و آسیب‌پذیرتر بوده است.

حال، اینجا اشاره‌ای به قابیل و شهرت او وجود دارد. اگر قابیل هفت بار انتقام گرفته شود، پس لمک ۷۷ بار. بنابراین، لمک به خود می‌بالد، تفسیری بسیار غم‌انگیز از تبار قابیلیان.

و اکنون می‌توانیم شاهد گسترش شدت گناهی باشیم که اکنون در قتل برداشت می‌شود. و سپس، پیش از این، در مورد چندهمسری صحبت کردیم. اکنون، با آیه ۲۵، به پاراگراف کوتاهی می‌رسیم که شرح می‌دهد چگونه خداوند برای حوا جایگزینی برای هابیل مقتول فراهم می‌کند.

و به همین دلیل است که او او را اینگونه نامگذاری کرد. این یک بازی با کلمه عبری به معنای دادن است، یا در نسخه بین‌المللی جدید آمده است، خدا به جای هابیل، فرزند دیگری به من عطا کرده است، از زمانی که قابیل او را کشت. و سپس می‌بینیم که شیث تولید مثل می‌کند.

بنابراین، شما این ایده را دارید که خداوند همچنان به قابیلیان برکت می‌دهد. و او هم در ابتدای فصل، تولد قابیل و هابیل را به خدا و هم در اینجا دوباره به شیث نسبت می‌دهد. این کاملاً با جهان‌بینی قوم عبرانی که می‌دانستند فرزندان نعمتی از جانب خدا هستند، مطابقت دارد.

این بخشی از هدف خداوند برای بشریت است. این چیزی است که باید به خاطر داشته باشیم: این صحبت از طرح و اهداف خداوند برای بشریت به معنای کلی است. هر زوجی نمی‌تواند فرزند داشته باشد و در نتیجه، این برای بسیاری از زوج‌های متأهل که فرزند می‌خواهند، بسیار دشوار و طاقت‌فرسا است.

و این بدان معنا نیست که اگر این مورد شما یا مورد دیگری در خانواده‌تان است که شما از آن اطلاع دارید، این بدان معنا نیست که آنها تحت نفرین هستند یا خدا آنها را برکت نخواهد داد. در واقع، در عهد جدید به ما گفته شده است که مجرد بودن، سبک زندگی‌ای است که پولس رسول برای جامعه درون کلیسا بهتر می‌دانست، زیرا این فرد که مجرد است و البته ازدواج نکرده تا فرزند داشته باشد، می‌تواند آزادانه‌تر و با پشتکار بیشتری به خداوند خدمت کند. یک زوج می‌تواند همین کار را انجام دهند، اما همیشه گزینه‌هایی وجود دارد که مورد لطف خدا هستند و آن فرزندخواندگی خواهد بود.

باید به یاد داشته باشیم که حتی عیسی مسیح، پروردگار ما، مجرد بود. بنابراین، برکت خدا، برکتی است که در درجه اول به رابطه فرد با خدا مربوط می‌شود، که از طریق خود خدا در خداوند عیسی مسیح برای ما فراهم شده است. و من قبلاً در مورد پایان فصل توضیح داده‌ام و آن شکوفایی عبادت و پرستش است.

توجه کنید که می‌گویید، نام یهوه، نام عهد خداوند را بخوانید. و وقتی صحبت از تفسیر زبان نام خداوند می‌شود، چیزی وجود دارد که به عنوان الهیات نام شناخته می‌شود. و منظور از آن این است که الهیات به ما می‌گوید که نام زبان نشان‌دهنده حضور است.

و بنابراین در اینجا ما ایده فراخواندن حضور خداوند را داریم. حال، در این زمینه، فکر می‌کنم که این موضوع در درجه اول به پرستش مربوط می‌شود. این زبانی است که بعداً در پیدایش برای دعا و پرستش استفاده شده است.

بنابراین، وقتی به پیدایش ۴ نگاه می‌کنیم، شجره‌نامه‌ای از قابیل و قابیلیان داریم که منجر به قتل می‌شود. و سپس این تولد کوتاه یا گزارش شیث را داریم که منجر به پرستش می‌شود. و بنابراین، ما شروع به دیدن یک تضاد قابل توجه بین فرزندان قابیل و آنچه که در مورد فرزندان شیث کشف خواهیم کرد، می‌کنیم.

این ما را به فصل ۵ می‌رساند، جایی که یک مقدمه داریم که بخش بعدی را معرفی می‌کند. این مقدمه از فصل آیه ۱ شروع می‌شود و شما یک شجره‌نامه خواهید داشت که تا آیه ۳۲ ادامه دارد. سپس دو پاراگراف ۵، دارید که با هم کار می‌کنند و این در فصل ۶، آیات ۱ تا ۸ یافت می‌شود که از شجره‌نامه عبور می‌کنند و به روایت بازمی‌گردند و خواننده را برای سیل آماده می‌کنند.

اگر به آیه ۸ از فصل ۶ توجه کنید، نوح مورد لطف خداوند قرار گرفت. و سپس، در آیه ۹، شرح بعدی را داریم، شرحی که نوح را معرفی می‌کند. بنابراین ترجمه این است که این روایت نوح و سرنوشت او به عنوان یک نجات‌دهنده است.

به موجب تطابق بین فصل‌های ۴ و ۵، وقتی صحبت از تفسیر پسران خدا می‌شود، برای ما بسیار مفید خواهد بود. من به فصل ۶، هویت پسران خدا در آیه ۲ و دختران آدمیان نگاه می‌کنم. بنابراین، می‌خواهیم این را در نظر داشته باشیم: تضاد بین این دو.

حال، وقتی صحبت از آنچه در حال ظهور است و در فصل‌های ۳ و ۴ به سطح می‌آید و به عنوان یک الگو ادامه خواهد یافت، می‌شود، می‌خواهیم به خاطر داشته باشیم که موقعیتی از گناه وجود دارد که هدف خدا، از برکت دادن، طرح غنی‌سازی او را که دفعه قبل گفتیم، از شخصیت او، خدا عشق است، برخاسته است از شخصیت او برای برکت دادن، از شخصیت او برای عشق ورزیدن، از شخصیت او برای بخشیدن خود. و بنابراین، این گناه است که همه اینها را تهدید می‌کند. و سپس یک مجازات یا داوری وجود دارد که آن گناهکاری سرکش، آن شرارت و در نتیجه عواقب آن را مهار می‌کند.

آن را مهار می‌کند، محدود می‌کند. سپس، خدا مداخله می‌کند تا باقیمانده‌ای را نجات دهد، بخشی که خانواده بشری را حفظ می‌کند. بنابراین، الگو گناه و داوری و سپس فیض است.

ما شاهد وقوع همین اتفاق در مورد تبارشناسی در فصل ۵ و آیه ۳۲ هستیم. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که پیام کنار هم قرار دادن زندگی در خارج از باغ عدن این است که گناه باغ منجر به مسیح، یا بهتر است بگوییم، قابیل، در تبارشناسی او شد که قتل خواهد بود، و اینکه پیشرفتی در وسعت و شدت فساد گناه‌آلود وجود دارد که بر تمام خلقت تأثیر می‌گذارد و منجر به فاجعه سیل می‌شود، با این حال، مانند وقایع قبلی آدم و حوا و قابیل، خدا مداخله می‌کند، قابیل و هابیل، با مداخله خدا، با نشان دادن لطف خود و حفظ نسلی که برکت را دریافت خواهد کرد.

و اکنون باید درک کنیم که خداوند نیت نجات بخش خود را از طریق خانواده‌ی جایگزین هابیل، همانطور که در عبرانیان فصل ۱۱، هابیل، که صالح است، معرفی شده است، هدایت خواهد کرد. شیث و فرزندان او به عنوان دودمان صالحی به تصویر کشیده خواهند شد که از طریق آنها خداوند نجات‌دهنده نجات‌دهنده‌ی سیل، یعنی نوح، را به ارمغان خواهد آورد. سپس فرزندان نوح شامل پسرش سام، که پدر ابراهیم، نجات‌دهنده‌ی تمام گروه‌های قومی از طریق ایجاد یک گروه قومی جدید است، یعنی ابراهیم، پدر قوم عبرانی، نیز خواهند بود.

بنابراین این همان چیزی است که خدا وعده داده است. این همان چیزی است که خدا در حال انجام آن است. آن مبارزه بین فرزندان مار، قابیلیان و دودمان شرور وجود دارد که منجر به قتل می‌شود. سپس

فرزندان زن وجود دارند که به عنوان فرزندان صالح درک و فهمیده می‌شوند و اطاعت، عبادت و وفاداری به خداوند خدا را تمرین می‌کنند.

سپس، با تبارشناسی باب ۵ شروع می‌کنیم. آنچه در اینجا خواهیم دید این است که شواهدی از یک روایت مکتوب داریم. این کلام مکتوب در واقع یک کتاب کلام است، روایتی که باید در برهه‌ای از زمان نوشته شده باشد و توسط نویسنده پیدایش به تصرف درآمده باشد. عنوان اصلی ما را به یاد باب ۱ پیدایش می‌اندازد، زمانی که خدا بشریت را آفرید، باب ۱ آیات ۲۶ تا ۲۸.

و سپس در روایت باغ، خلقت آدم و حوا، هنگامی که خدا بشریت را آفرید، او بشریت را به شباهت خدا آفرید. بنابراین این پژواک روشنی از فصل ۱، آیه ۲۶ است. او آنها را مرد و زن آفرید و آنها را برکت داد.

البته، این آیه ۲۷ از فصل ۱ است و مربوط به زاد و ولد است که در ادامه خواهد آمد. و هنگامی که آنها آفریده شدند، اکنون این چیز جدیدی است، او آنها را بشریت نامید. نامگذاری در آن زمان، همانطور که قبلاً دیدیم، به رسمیت شناختن از سوی شخصی بود که حضور یا جایگاه را نامگذاری می‌کرد.

می‌توانیم آن را به عنوان هویت شخصی که نامگذاری شده است، یا در مورد خداوند، به رسمیت شناختن حضور و هویت او به عنوان خداوند خدا در نظر بگیریم. حال، وقتی صحبت از ساختار می‌شود، چیزی که کشف می‌کنیم این است که این ساختار از یک ساختار منظم پیروی می‌کند. به عبارت دیگر، یک ساختار قابل پیش‌بینی.

و خواهید دید که تعداد سال‌های پدر، و سپس تولد، و سپس تعداد سال‌های پس از تولد نواده را به ما می‌دهد. و سپس فراخوانی پسران و دختران دیگر وجود دارد، این روال است. و سپس در نهایت، و سپس او درگذشت.

وقتی این شجره‌نامه را دنبال می‌کنید، متوجه خواهید شد که مطالب زیادی در این شجره‌نامه وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه باید روایتی را که ما را احاطه کرده است، درک کنیم. حال، شجره‌نامه به دلیل مفهوم کلی ارث و موهبت الهی به ملت به طور کلی و سپس به هر خانواده‌ای که در ارث شرکت داشته است، برای خوانندگان بسیار حیاتی بوده است. مفهوم پسر ارشد، مفهوم تداوم نعمت الهی از طریق خانواده، به قبیله و سپس به جامعه، به کل.

آن حس ایدئولوژی اجتماعی و هویت اجتماعی وجود دارد. اما ابتدا می‌خواهیم در آیه سوم تشخیص دهیم که وقتی آدم ۱۳۰ سال زندگی کرد، پسری به شباهت و تصویر خود داشت. بنابراین، آنچه از این کشف می‌کنیم این است که انسان‌هایی که از اجداد ما متولد شده‌اند نیز دریافت‌کننده تصویر خدا هستند.

بنابراین، این از والدین به فرزندان، از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. حال، با فرض اینکه آدم و حوا گناهکار هستند، با این وجود، این تصویر فرزندان آنها را از بین نمی‌برد. آنها نیز، در این مورد، شیت، به صورت خدا آفریده شده‌اند و باید به اندازه آدم و حوا که به صورت خدا آفریده شده‌اند، در نظر خدا ارزشمند شناخته شوند و باید با آنها نیز چنین رفتار شود.

سپس آن را می‌بینیم، و سپس او مرد. در هر مرحله، و سپس او مرد، به ما می‌گوید، به ما یادآوری می‌کند، و تا حدودی قانع‌کننده است که خداوند ناقوس مرگ را علیه زندگی بشر به صدا درآورده است، همانطور که در پیدایش ۲، آیه ۱۷ پیشگویی و وعده داده بود. بنابراین، اگرچه مرد و زن در باغ غذا خوردند، خواهیم دید که همه جانشینان مرد و زن، آدم و حوا، در خارج از باغ به دنیا می‌آیند.

بنابراین، خانواده بیرون از باغ عدن به گناه آدم و حوا آلوده شده است. به همین دلیل است که گناه نخستین در توصیف وضعیت وخیم مردان و زنانی که از خدا جدا شده‌اند، نقش ایفا می‌کند و لازم است که خدا وارد عمل شود و آشتی را برقرار کند. دفعه بعد که برای جلسه ششم برمی‌گردیم، به فصل ششم، آیات یک تا هشت، خواهیم پرداخت.

این دکتر کنت متیوز در حال تدریس در مورد کتاب پیدایش است. این جلسه شماره پنج، زندگی بیرون از باغ عدن، قابیل و هابیل، پیدایش ۴: ۱-۲۶ است.